

منهج اليقين

سید علاء الدین محمد گلستانه

www.ketab.ir



انتشارات تک تاج

سرشناسه	: گلستانه، محمد، - ۱۱۱۰ / ۱۶۹۸ ق. ۴
عنوان و نام پدیدآور	: منهج‌الیقین / سید علاء‌الدین محمد گلستانه.
مشخصات نشر	: تهران: تک تاج، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۳۹۶ ص.
شابک	: ۲-۰۰۶-۸۵۶۶-۹۶۴-۹۷۸-۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع	: جعفرین محمد(ع)، امام ششم، ۸۳ - ۱۴۸ ق. - نامه‌ها.
موضوع	: جعفرین محمد(ع)، امام ششم، ۸۳ - ۱۴۸ ق. - احادیث
موضوع	: احادیث شیعه - قرن ۲ ق. - نقد و تفسیر.
رده بندی کنگره	: ۱۴۹۲ ۸۴۸/۲/۵ BP۴۵
رده بندی دینی	: ۲۹۷/۹۵۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۹۴۵۶۶



انتشارات تک تاج

☐ منهج‌الیقین

☐ ترجمه: سید علاء‌الدین محمد گلستانه

☐ چاپ اول: ۱۳۹۲

☐ قطع و تعداد صفحات: ۳۹۶ صفحه وزیری

☐ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

☐ بها: ۲۱۰۰۰ تومان

☐ شابک: ۲-۰۰۶-۸۵۶۶-۹۶۴-۹۷۸

فهرست

مقدمه	۱۵
سند حدیث	۱۷
طلب عافیت و رضا به قضا	۱۸
دعوت به شکیبایی، بردباری و آرامش	۲۲
فضیلت صبر	۲۴
فضیلت حلم و وقار	۲۶
فضیلت حیا و الگو گرفتن از نیکان	۲۷
نسبت حیا و شکر	۳۰
ویژگی‌های نیکان	۳۲
الف. وَرَع	۳۲
ب. تقوا	۳۳
ج. عَفَّتْ	۳۶
سفارش شیعیان به تعامل با دیگران	۳۶
تقیّه و آثار و شرایط آن	۳۸
۱. تعریف تقیه و اقسام آن	۳۸
۲. تقیه در منابع اهل سنت	۳۹
۳. ادله جواز تقیه	۴۵
الف. آیات	۴۵

۴۸	ب. احادیث
۵۳	طعنه‌های بی اساس بر شیعه
۵۴	پاسخ طعنه‌های بی اساس
۵۶	۴. کیفیت تقیه
۵۶	لزوم کنترل زبان از گفتارهای نازوا
۵۷	پرهیز از دروغ
۶۲	مذمت بهتان
۶۲	مذمت سخنان گناه‌آلود
۶۸	پرهیز از سخنی که مضمین ظلم بر کسی باشد
۷۲	گناهان کبیره و صغیره
۷۵	گناهان کبیره
۷۵	اول. شرک
۷۶	ریا
۷۷	دوم. ناامید شدن از رحمت الهی
۷۸	سوم. امن از مکر الهی
۸۰	فرق میان خوف از خدا و یاس از رحمت الهی
۸۱	لزوم تساوی خوف و رجا
۸۲	خوف از خدا
۸۴	نکوهش بدگمانی به خدا
۸۵	لزوم اعتدال در خوف و رجا
۸۵	چهارم: قتل مؤمن
۸۸	پنجم: عاق والدین
۹۵	ششم: خوردن مال یتیم
۹۶	هفتم: متهم کردن زنان و مردان پاکدامن
۹۹	هشتم: رباخواری

۹۹	آیات و روایات در نهی از ربا
۱۰۰	نهم: گریختن از میدان جنگ
۱۰۰	دهم: بازگشت به عقائد جاهلیت بعد از مسلمان شدن
۱۰۱	یازدهم: زنا
۱۰۳	دوازدهم: لواط
۱۰۴	سیزدهم: خیانت در غنیمت
۱۰۵	چهاردهم: سحر
۱۰۷	پانزدهم: قسم دروغ خوردن
۱۰۹	شانزدهم: دروغ
۱۱۱	هفدهم: ترک زکات
۱۱۳	مقدار و نصاب زکات
۱۱۴	هجدهم: سبک شمردن حج
۱۱۶	نوزدهم: انکار حق اهل بیت علیهم السلام
۱۱۶	بیستم: تکبر
۱۱۶	بیست و یکم: شرب خمر
۱۲۲	حرام بودن درمان بیماریها با خمر
۱۲۴	حرام بودن نوشیدن تمام مست کننده ها
۱۳۱	نکوهش نشستن بر سر سفره ای که شراب در آن خورند
۱۳۲	فُقَاع
۱۳۳	بیست و دوم: خوردن خوراکی های حرام
۱۳۳	بیست و سوم: قمار
۱۳۵	حکم شطرنج و نَرْد
۱۳۷	بیست و چهارم: مَلاهی
۱۴۰	بیست و پنجم: غنا
۱۴۰	مقدمه اول، در تفسیر غنا و بیان معنی آن

۱۴۰	الف. معنای لغوی
۱۴۲	ب: معنای اصطلاحی
	مقدمه دوم، در بیان حرمت غنا و آن که غنا از جمله کبائر است و ذکر احادیثی است که در عقوبت غنا
۱۴۶	وارد شده
۱۵۱	مواردی که غنا جایز است
۱۵۳	اخباری که در جواز غنا وارد شده
۱۵۳	الف: روایات دال بر جواز غنا در قرائت قرآن
۱۵۸	ب: روایات دال بر جواز غنا و توجیه آنها
۱۶۰	ج: احادیث دیگری که در جواز غنا وارد شده
۱۶۱	ردّ احادیث جواز غنا به روش اخباریان
۱۶۱	جمع میان اخبار
۱۶۴	نظر اهل سنت درباره غنا
۱۶۵	ردّ نسبت دادن اباحه غنا به پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام
۱۶۷	بیست و ششم: پیمان شکنی
۱۶۸	کفاره شکستن پیمان و نذر و قسم
۱۶۸	پیمان شکنی با امام
۱۶۹	شکستن پیمان دیگران
۱۶۹	بیست و هفتم: قطع رحم
۱۷۲	معنا و مصادیق صله و قطع رحم
۱۷۲	صله رحم و مراتب آن
۱۷۴	آثار صله رحم و قطع رحم
۱۷۶	بیست و هشتم: خوردن مال حرام
۱۷۸	بیست و نهم: حکم ناحق نمودن
۱۷۸	سی ام: یاری کردن ظالمان
۱۸۲	سی و یکم: یاری نکردن مظلوم

۱۸۲	عقاب ترک یاری مؤمن
۱۸۳	ثواب نیکی به مؤمن
۱۸۴	سی و دوم: اسراف و تبذیر
۱۸۴	حد و اندازه اقدام به امور خیریه
۱۸۶	انواع اسراف
۱۸۸	اسراف در خوراک و پوشاک و مسکن
۱۹۱	حکم کشیدن تنباکو
۱۹۳	مذمت بخل
۲۰۲	سخنان امام صادق علیه السلام به صوفیان
۲۰۸	جمع بین روایات
۲۱۰	سی و سوم: غیبت
۲۱۲	معنای غیبت
۲۱۲	مصادیق غیبت
۲۱۳	مذمت غیبت
۲۱۴	اموری که در آنها غیبت جایز است
۲۱۷	سی و چهارم: ادا نکردن حق دیگران
۲۱۷	سی و پنجم: کم فروشی
۲۱۸	سی و ششم: خیانت
۲۱۹	سی و هفتم: اصرار بر گناهان صغیره
۲۲۰	سی و هشتم: سخن چینی
۲۲۱	سی و نهم: بیرون رفتن از حق در وصیت
۲۲۲	چهلیم: خطاکاری نمودن در مکه
۲۲۳	چهل و یکم: گناهان کبیره دیگر
۲۲۳	کوچک شمردن گناهان
۲۲۴	لزوم آشکار نکردن معصیت

۲۲۵	فضیلت خاموشی و موارد سخن گفتن
۲۲۶	فضیلت خاموشی و سکوت
۲۲۷	فضیلت سخن گفتن در موضع سخن
۲۲۸	مواردی که سخن گفتن بایسته است
۲۲۸	امر به معروف و نهی از منکر
۲۳۰	لزوم کثرت یاد الهی
۲۳۰	اول: فضیلت تهلیل «لا اله الا الله»
۲۳۲	دوم: تقدیس الهی
۲۳۲	سوم: تسبیح الهی
۲۳۳	چهارم: فضیلت حمد و ثنای الهی
۲۳۴	فضیلت تمجید
۲۳۵	فضیلت تکبیر
۲۳۶	فضیلت شکر
۲۳۷	پنجم: تضرع به درگاه الهی
۲۳۸	ششم: رغبت به عنایات و ثواب الهی
۲۳۹	هفتم: ذکر الهی
۲۴۳	فضلیت دعا
۲۴۵	شرایط دعا
۲۵۰	دلیل مستجاب نشدن دعاها
۲۵۲	دعا نشانه توفیق
۲۵۲	کسانی که دعایشان پذیرفته است
۲۵۲	بهترین دعاها
۲۵۳	اجتناب از محارم الهی
۲۵۴	زشتی معصیت الهی
۲۵۶	زوال و بی قدری دنیا

۲۷۲	صبر بر آزمون های الهی
۲۷۳	آزمون های الهی برای مؤمنان
۲۷۴	لزوم خویشتن داری در هنگام غضب
۲۷۶	آزمون های الهی برای کافران
۲۷۸	ممنوعیت عمل به رأی و قیاس در احکام الهی
۲۸۰	حرمت عمل به رأی و قیاس
۲۸۲	توانایی ائمه علیهم السلام بر استنباط تمام علوم از قرآن کریم
۲۸۳	لزوم پیروی از پیامبر و ائمه علیهم السلام
۲۸۵	نصوص دال بر امامت علی علیه السلام
۲۹۳	حدیث غدیر
۲۹۵	نهی از شهره شدن در میان دیگران
۲۹۶	مطلوب بودن کثرت دعا و سوال از درگاه الهی
۲۹۷	حدا داشتن یاد و ذکر الهی
۲۹۹	پرهیز از دشنام دادن مخالفان
۳۰۰	پیروی از سنت و پرهیز از بدعت
۳۰۶	صبر و رضا به قضای الهی
۳۰۷	محافظت بر نمازها
۳۰۹	چگونگی محافظت از نماز
۳۱۴	مذمت سبک شمردن نماز
۳۱۴	نماز عصر (وسطی)
۳۱۵	لزوم دوستی با مسلمانان مستمند و پرهیز از تحقیر آنان
۳۱۵	فضیلت فقرا و مستمندان
۳۱۷	نهی از تکبر
۳۲۴	احادیث دیگر در مذمت تکبر
۳۲۵	۱. اسباب تکبر

۳۲۵	الف. اصل و نسب.....
۳۲۶	ب. توانگری و ثروت.....
۳۲۸	ج. منصب، سلطنت و قدرت.....
۳۳۰	فضیلت نیکی به سادات.....
۳۳۳	احترام به دانشمندان.....
۳۳۴	احترام گذاشتن به ساخوردگان.....
۳۳۴	مذمت تحقیر دیگران.....
۳۴۰	د. آراستگی به کمالات و اوصاف نیکو.....
۳۴۱	۲. نشانه‌های متکبران.....
۳۴۲	۳. علاج تکبر.....
۳۴۳	مذمت ظلم و تعدی.....
۳۴۴	نکوهش حسد.....
۳۴۵	مذمت آزار مظلوم.....
۳۴۵	فضیلت یاری مؤمنان و نیکی و احسان به آنها.....
۳۵۱	فضیلت دیدار برادران مؤمن.....
۳۵۱	مذمت سخت‌گیری بر مسلمان تنگ‌دست.....
۳۵۳	مذمت درنگ در ادای حقوق الهی.....
۳۵۴	نکوهش مضطر ساختن امام برای بیزاری از تابعان.....
۳۵۶	فضیلت توالی به ولایت الهی و دوری از ولایت غیر خدا.....
۳۶۲	فضیلت شیعیان.....
۳۷۲	صفات شیعیان.....
۳۷۳	ویژگی‌های ایمان کامل.....
۳۷۴	فضیلت ترک گناه و توبه از آن.....
۳۷۵	حقیقت توبه.....
۳۷۷	چگونگی توبه و شرایط آن.....

۳۷۸	 آخرین فرصت برای توبه
۳۷۸	 فضیلت توبه
۳۸۰	 فلسفه امر و نهی های الهی
۳۸۱	 آثار پایبندی به اوامر و نواهی الهی
۳۸۲	 فضیلت حفظ اسرار شیعیان
۳۸۵	 فضیلت نیکی در برابر بدی ها
۳۸۷	 مذمت و زشتی تکبر در پیشگاه الهی
۳۸۸	 سرشت انسانها
۳۸۹	 فضیلت صبر در بلاها و دشواری های راه خدا
۳۹۰	 ویژگیهای انسانهای با تقوا
۳۹۵	 نشانه ایمان حقیقی
۳۹۶	 راه محبوب الهی شدن
۳۹۷	 خاتمه کتاب

مقدمه

روائع روح افزای حمدی که مشام مقدسان ملأ اعلی را سرگرم عطسه تسبیح سازد، مروحه جنبان محفل قدس ذی الجلال تواند بود که به نفحه حیات بخش «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»، خجسته پیکر انسانی را در تباشیر صبح ایجاد از گران خواب عدم، بیدار ساخت، و جواهر ثنایی بی قیاس که با ظهور سنای انعمه لمعاتش مهر درخشان به خیال اقتباس، از خواب افول برخیزد، نثار بارگاه مالک الملکی را سراسر است که در خاندس شب های شبّهات، به جهت اهتدای سالکان طرائق عرفان، ذرات خود را به انوار باهرات «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»، مشعله دار ظهور آیات و حدانیت خویش گردانید و کنه ذات بی چون را از نظر دور بینان مناظر عالیہ ایقان و ساکنان عُرف رفیعہ عرفان، محبوب ساخت. جایی که عرش المعرفه حاملان عرش معرفت، اعتراف به عجز و حصور باشد، آلودگان معموره امکان را چه جای خیال عرفان؟ و در فضایی که اوج همت بلند پروازان هوای عرفان در وصول شَرْفِ قَصْرِ شَرْفِ اَقْرَارِ به قصور باشد، محبوسان مَطْمُورِ خاک را کجا هوای ادراک: «لَهُ الْغُلُوبُ الْأَعْلَىٰ فَوْقَ كُلِّ عَالٍ وَالْجَلَالُ الْأَمْجَدُ فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ»؟ و ثواب صلوات متصلات و تسلیمات متتالیات که از حیای صفای خلوصشان شاهد عالم آرای صبح صادق، محال جلوه جلال، جز در جلباب اختفایابد، جمره مجمره روضه مطهر و ضریح مقدس برگزیده ای را رواست که گم گشتگان خیفای تیهای ضلالت و شیدایان بیدای بی منتهای جهالت، به اقتباس آثار شریعتش مَهْبُطِ تَجَلِّیَّاتِ انوار طور سینای حقیقت و یقین گردیده اند. طلّیحه طلوع آفتاب رسالتش، ید بیضای موسوی و مبشر مقدم فیروزی اثرش نفس جان بخش عیسوی. رفیع قدری که منشور نبوتش به طغرای غزای «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»، موشح و

مُحَلَّاسْت و بلند مرتبه‌ای که بر قامت عزّتش، خلعت: «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتَ الْأَفْلَاكَ»، زیبا و رساست - عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ الصَّلَوَاتِ أَعْمَهَا وَ أَتْبَهَاها وَ مِنْ التَّسْلِيمَاتِ أَتَمَّهَا وَ أَسْنَاهَا -.

و شوارق انوار تحیات منتجبات که ابصار ارباب بصائر را خیره و میهور سازد. شمع شبستان قدس آل اطهار و عترت اخیار، او تواند بود که نور تو لایشان در قلوب اصحاب یقین ک «الْمِضْبَاحُ فِي زُحَاةٍ»، لامع و درخشان، و ریاحین ایمان در حدائق صدور ارباب عرفان، به نسیم مودتشان سکفته و خندان است. آیت علو قدرشان «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ» و شرع سفینه نجات محبتشان، «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ». سیما شهاب ثاقب سمای ابتهت و بها و مفتاح حصین مبع «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَى بَابِهَا». برق تیغش ظلمت زدای وجود تیره دلان کفر و وجود خاک درگش نور جبهه روشن ضمیران «سَيِّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ»، عنوان صحیفه کرامتش دریمه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» و برات نجات دوستانش مصدوقه «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ»، کاسیر ریایات اکاسره طغیان و غوایت، و هادم قصر رفعت قیاسره کفر و ضلالت، اعنی أَسَدُ اللَّهِ الْغَالِبِ وَ شَهِابُ الْقَابِ عَلٰی بْنِ أَبِي طَالِبٍ - علیه و علیهم صلوات الله - ما تَأَلَّاهُ السَّمَاءُ بِالثَّوَابِ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَ تُبْعِضُهُمْ مَا تَبَاغَضَتِ الْمَحَاسِنُ وَ الْمَثَالِبُ.

اما بعد، چون به موجب تقدیر قدیر خبیر، احیای موات موادّ قابله افراد انسان، منوط به جریان انهار و جداول سلسبیل متابعت سبیل حق و یقین و تسنیم تسلیم و انقیاد پیشوایان و هُدایات طرایق دین مبین است و نضارات ریاض صدور و طراوت حدائق قلوب ارباب ایمان و اصحاب عرفان، موقوف به تتابع رَشَحات کلمات آبشار و هبوب ریاح مبشرات انفاس عیسوی انتساب خطبای منابر ارشاد و هدایت - اعنی اهل بیت عصمت و طهارت - است و از جمله کنوز مشتمله بر صنوف جواهر معارف و دُرَر آبدار حکم که بنا بر قصور، هم در زوایای کتب اخبار، مخفی و مستور مانده، وصیتی است که از بحر مواج علوم و حقایق و کشف معضلات اسرار و دقایق، جعفر بن محمد الصادق - صلوات الله و سلامه علیه ما نَطَقَ بِطَاقٍ -، به جهت اهتدای خواص اصحاب و خازنان اسرار و سایر متمسکان عروة الوثقی متابعت حق و یقین، سَمَتِ ظهور یافته و امر به محافظت و تعاهد آن فرموده، و متبتعان او امر و نواهی آن حضرت، نظر و تأمل در آن را سادس فرایض و در مرتبه روایت می شمرده اند و بسیاری از سالکان طُرُق سداد و متعطشان رَحیق رَشاد، از ادراک حقایق و اطلاع بر رموز و دقایق آن، بنا بر عدم قدرت بر

فهم کلام عرب محرومند، حقیرِ قلیل البضاعه، علاء الدین محمد بن ابوتراب گلستانه - عفی الله تعالی عن جرائمهما یوم الدین و حشرهما تحت لواء الأئمة الطاهرین -، خواست که جواهر اسرار آن را به قدر فهم ناقص و ذهن قاصر، به عبارتی فارسی قریب به افهام، در سبک تحریر، منتظم سازد تا باشد که به برکت هدایت و آبروی جمعی که درگاه بارگاه جلال سبحانی، راه عرض و قبول حاجات و رتبه اسعاف مآرب و مرادات یافته اند، نامه اعمال خود را از سیاه رویی جرائم آثام و عظام سیئات، مصفا سازد و از اخبار اهل بیت طاهرین، آنچه در هر مقام مناسبت تام داشته باشد، به جهت تأیید مطالب مندرجه در مطاوی آن و اشتغال بر زواید فواید، ایراد نماید تا فایده آن، اتم و نفع آن، اعظم باشد. و از آنچه بعضی از مترجمین رعایت می نمایند از تطبیق میانه جمیع احزای کلامین در ترتیب و زیاده و نقصان، در بسیاری از مواضع، عدول نمود تا کلام از حلیه ارتباط عاری و عاطل نماند و آن را به منهج الیقین، موسوم ساخت.

امید به کرم بی منتهای سبحانی، آن که به تأیید اخلاص نیت و تصفیه عزیمت از اغراض باطله در تألیف این مختصر و سایر اعمال، منت گذارد و به هر حرفی، حسنات مضاعفات در نامه عمل این حقیر سیاه نامه، ثبت سازد و این بضاعت مُزجات را شرف قبول، کرامت فرماید. و متوقع از کرائم اخلاق ناظران در این رساله آن که از جاده عیب جوئی و مسلک اعتساف، انحراف نموده، در اصلاح خلل و سؤال مغفرت خطا و زلل کوشند و اعتراف به قصور را عذر تقصیر شمارند. وَ مِنَ اللَّهِ أَرْجُو الْعِصْمَةَ وَ التَّائِيدُ، إِنَّهُ هُوَ أَوْلَى الْحَمْدِ.

سند حدیث

روی ثقة الإسلام محمد بن یعقوب الكلینی - قدس الله روحه - فی کتاب الروضة من الکافی قال:

حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ حَفْصِ الْمُؤَذِّنِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَتَبَ بِهَذِهِ الرِّسَالَةِ إِلَى أَصْحَابِهِ وَ أَمَرَهُمْ بِمَدَارَسَتِهَا وَ النَّظَرِ فِيهَا وَ تَعَاهِدِهَا وَ الْعَمَلِ بِهَا، فَكَانُوا يَصْعُقُونَهَا فِي مَسَاجِدِ بُيُوتِهِمْ، فَإِذَا قَرَأُوا مِنَ الصَّلَاةِ نَظَرُوا فِيهَا. قَالَ: وَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكِ الْكُوفِيِّ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ الرَّبِيعِ الصَّخَّافِ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَخْلَدٍ السَّرَّاجِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَرَجْتُ

هَذِهِ الرِّسَالَةُ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَصْحَابِهِ.

روایت نموده است معتمد اهل اسلام، محمد بن یعقوب کلینی - قدس الله روحه - در کتاب روضه کافی، از حفص مؤذن و از اسماعیل بن جابر، به دو سند که اولاً مذکور شد، از حضرت مبین الحقائق و کشف الدقائق، جعفر بن محمد الصادق - صلوات الله و سلامه علیه - که آن حضرت نوشت این رساله را به اصحاب خود و فرمود که به یکدیگر تعلیم نمایند و تدبیر و تفکر در آن بکنند و محافظت نمایند و تجدید عهد، به او بکنند و به مضامین آن، عمل نمایند. پس بنا بر اطاعت امر آن حضرت، شیعیان، رساله را می گذاشتند در مساجد خانه های خود، یعنی در جایی که به جهت ادای نوافل، می تاساخته بودند یا آن که فرائض را - در وقتی که به مسجد نتوانند حاضر شد -، در آن جا به جامی آورند، و چون از نماز فارغ می شدند، تفکر در آن می نمودند تا امر آن حضرت به تجدید عهد، به عمل آید و آنچه از مضامین آن فراموش شده باشد، به خاطر رسد. و همچنین، روایت نموده است به سند دیگر از اسماعیل بن مخلد سراج که حضرت ابی عبد الله علیه السلام نوشت این رساله را به اصحاب خود.

طلب عافیت و رضا به قضا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَمَّا بَعْدُ، فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ التَّافِيَةَ، وَ عَلَيْكُمْ بِالذَّعَةِ وَالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ. یعنی: اما بعد از حمد و ثنای الهی و صلوات بر حضرت رسول و آل اطهار او. پس سؤال کنید از پروردگار خود، عافیت و سلامت از مصائب و بلاهای دنیوی و اخروی را. بر شما باد به سکون و حلم و آرام، در هنگام ابتلا به مکاره و اذیت مخالفان و دشمنان!

بدان که اول چیزی که در این عهد شریف، امر به آن واقع شده، طلب عافیت است. و عافیت، عبارت است از سلامتی از هر چیزی که موجب ضرری بوده باشد در دنیا یا در آخرت. و بدترین مفاسد و مضرت ها، پیروی شیاطین جن و انس و نفس اماره است که عاقبتش ضلالت و گمراهی و محرومی از ثواب الهی و مبتلا شدن به بلاهای نامتناهی دنیوی و اخروی است. پس در طلب نجات و خلاصی از شر نفس و شیاطین، توسل تام به جناب اقدس الهی باید نمود. بعد از آن، طلب باید نمود عافیت از امراض و عاهات مُزمنه، مثل جذام و برص و امثال آنها.

چه بسیار باشد که ابتلا به امراض و اسقام، با وجود آن که موجب ثواب و رفع درجات می باشد، بنا بر قلت صبر و بی طاقتی بنده، منتهی به کفران نعمت، بلکه به کفر و خسران آخرت